

عملکرد گفتمانی و اجتماعی جامعه مصرفی در رمان زن کامل اثر پاتریک

دوویل

سحر باقرزاده<sup>۱</sup>

مهوش قویمی<sup>۲</sup>

چکیده

این مقاله با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، عملکرد گفتمانی و اجتماعی جامعه مصرفی را به مثابه یکی از مولفه‌های جامعه پسامدرن، در رمان زن کامل اثر پاتریک دوویل مطرح می‌کند. هدف اصلی این پژوهش در مرحله اول نمایش بازتاب الگوواره جامعه مصرفی در این رمان و در مرحله دوم تاثیر این الگوواره در شکل‌گیری بافت اجتماعی اثر است. مرحله سوم به بیان ریشه‌های اجتماعی تولید گفتمان و کنش اجتماعی زبان در بیان عوارض جامعه مصرفی می‌پردازد. برای دستیابی به این هدف سعی بر آن خواهد بود تا الگوواره جامعه مصرفی در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین تحلیل شود. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که پاتریک دوویل با دیدگاه و رویکرد ویژه‌ای که به تحولات و رویدادهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دوره پسامدرن داشته، توانسته است مولفه‌های این دوره را در اثر انعکاس دهد. این مولفه‌ها نمایش ساده‌ای از نشانه‌های پسامدرنیسم نیستند؛ سازنده بافت اجتماعی متن و نمایش دهنده تقابل گفتمان بین قشر ثروتمند و فقیر جامعه‌اند. واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، جامعه مصرفی، نورمن فرکلاف، کردار گفتمانی، عمل اجتماعی

دوره چهاردهم شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱. دانشجوی دکتری ادبیات فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

Saharbagherzadeh81@gmail.com

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

avigh@yahoo.com

## مقدمه

تحلیل گفتمان انتقادی گرایشی بینارشته‌ای و مشتق از زبان‌شناسی انتقادی<sup>۱</sup> است. منتقدین و تحلیلگران حوزه ادبیات از این شیوه تحلیل زبان‌شناسی به ویژه با رویکرد فرکلاف استقبال کرده و در آثار متعددی، به ویژه در ادبیات فارسی، آن را بکار برده‌اند. از سوی دیگر، اگرچه پیش از این تحقیقات متعددی در حوزه نوشتار تقلیل‌گرایانه انجام پذیرفته اما تحلیل گفتمان انتقادی در اینگونه آثار طبق نظریه فرکلاف نبوده است. اما در آنچه مربوط به نوشتار مینیمالیستی می‌شود می‌توان گفت که بررسی رمان‌های تقلیل‌گر فرانسوی مربوط به دهه هشتاد و نود میلادی به خوبی نمایان‌گر چارچوب فکری جامعه پسامدرن هستند که از جمله آنها می‌توان به "پیچیده و بحث‌انگیز شدن مفهوم واقعیت، زندگی شهری به منزله چرخه پایان‌ناپذیر مصرف، برجسته‌شدن سبک زندگی، سیطره گفتمان، نقش رسانه‌ها، هجو به منزله صنعتی راهبردی، التقاطی شدن متن، جایگزین شدن تصویر به جای روایت، نگارش بازیگوشانه و بینامتنیت" اشاره کرد (پاینده ۱۳۹۰: ۲۳).

مقاله حاضر قصد دارد تا با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به بررسی بازنمایی یکی از الگوواره‌های جامعه پسامدرن در رمان زن کامل اثر پاتریک دوویل بپردازد و به دنبال این بازنمایی بافت زمینه‌ای را که این الگوواره در اثر تولید کرده، معرفی کند و در مرحله آخر توزیع و تقابل گفتمان مربوط به اقشار مرفه و ضعیف جامعه را در این رمان تقلیل‌گرایانه فرانسوی نشان دهد. برای نیل به این هدف سه پرسش مطرح می‌شود. پرسش نخست آن است که ساختارهای گفتمان‌مدار مبین کدام یک از الگوواره‌های جامعه پسامدرن است؟ و پرسش دوم آن که کردار گفتمانی در این اثر مبین کدام بافت (هنری، اجتماعی، اقتصادی و...) است؟ و در نهایت باید به این نکته پاسخ داد که گفتمان به مثابه یک کنش اجتماعی مبین کدامیک از معضلات جامعه است؟

## ۱. نقش بینامتنیت در معرفی گفتمان جامعه مصرفی

## ۲.۱. جایگاه و عملکرد واژگان

طبق نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، در سطح توصیف، کلمات و جملات بر مبنای ارزش‌های سه‌گانه تجربی، بیانی و رابطه‌ای تحلیل می‌شوند. بر اساس این نظریه،

1. Critical linguistics

تحلیل ساختاری کلمات طبق ارزش تجربی در متن مبین این نکته است که "چگونه تفاوت‌های باورشناختی (ایدئولوژیکی) بین متون در بازنمایی جهان و محیط پیرامون، در کلمات رمزگذاری می‌شود" (Fairclough 1989:112). در حقیقت، طبق الگوی تحلیلی فرکلاف، تحلیل زبانی هم در سطح متن و هم در سطح کردار گفتمانی انجام می‌شود و بینامتنیت در تحلیل کردار گفتمانی دارای جایگاه ویژه‌ای است. بینامتنیت نشان‌دهنده تاریخمندی متون است. هیچ متنی را نمی‌توان به تنهایی و بدون اتکا به متون دیگر فهمید زیرا استفاده از لغات و عباراتی که دیگران قبلاً از آنها استفاده کرده‌اند اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین، بینامتنیت نشان‌دهنده آن است که همه رویدادهای ارتباطی به نوعی به رویدادهای پیشین مربوط‌اند و از آنها بهره می‌گیرند. یک متن را می‌توان حلقه‌ای در یک زنجیره بینامتنی دانست، یعنی مجموعه‌ای از متون که در آن هر متن عناصری از متن یا متون دیگر را در بر دارد. فرکلاف دو نوع بینامتنیت را از هم متمایز می‌سازد: بینامتنیت صریح و بینامتنیت سازنده. بینامتنیت صریح مبین بکارگیری مستقیم متون دیگر در یک متن است که در این حالت با علائم نقل قول و یا چیزی شبیه به آن مشخص می‌گردد. بینامتنیت سازنده به معنای استفاده از عناصری از یک نظم گفتمانی دیگر در یک متن است. این نوع بینامتنیت را بیناگفتمانی (interdiscursivity) می‌نامند. یکی از شیوه‌های تحلیل بینامتنی سازنده، سازوکار بیناگفتمانی است که با استفاده از عناصر یک گفتمان توسط گفتمان دیگر و چگونگی بازنمایی آن در متون اشاره دارد. استفاده از اصطلاحات اجتماعی یا علمی در گفتمان سیاسی نمونه‌ای از فرآیند بیناگفتمانی است. (Fairclough 1992: 85)

در رمان زن کامل نوشته پاتریک دوویل اشارات مختلفی به الگوواره جامعه مصرفی شده است. ذکر این نکته الزامی است که در نوشتار تقلیل‌گرایانه اشاره به نام‌ها و اسامی خاص جزء بازی‌های زبانی مطرح در این نوع از نوشتار به حساب می‌آید (Schoots 1997: 62). به همین دلیل اشاره به اسامی خاص علیرغم اینکه فاقد معنا هستند اما اشاره به مرجع خاص و ویژه‌ای دارند (Lehmann Alise, Martin-Berthet:27).

در حقیقت، نویسنده با بازی زبانی و اشاره به مارک کالاها و اشیا و فروشگاه‌های مشهور در دنیا به نوعی دیدگاه و تجربه خود را از محیط پیرامون در اثر به نمایش می‌گذارد. استفاده از کلمات چه به شکل اسم خاص یا اسم عام دلیلی بر بینامتنیت است و این‌گونه استفاده بینامتنی از کلمات، حتی اسامی خاص، به نوعی مبین طراز اجتماعی

بعضی از شخصیت‌های داستان است. به عنوان مثال، از همان ابتدای رمان زن کامل، راوی داستان پس از اشاره به نام فروشگاه بزرگ ساماریتن<sup>۱</sup> در پاریس، طی جمله‌ای مستقل با اشاره به رنگ پالتوی خود از مارک آن نیز سخن به میان می‌آورد. [...]. بیست دقیقه در قسمت غرفه اسباب بازی‌های فروشگاه ساماریتن بودیم.

یک پالتوی مشکی جیانی ورساچه<sup>۲</sup> به تن داشتم. (Deville 1995:11)

ذکر چنین مواردی در اثر نشانگر فرهنگ مصرفی قشری خاص از جامعه است. به همین ترتیب در بخش‌های دیگری از رمان نیز به دیگر مارک‌های مهم و معروف لباس و لوازم آرایشی و به داشتنی و حتی مراکز تجاری اشاراتی شده است که از آن جمله می‌توان به مارک ایو سنت لوران (Deville 1995: 18)، مک دونالد و تکس مکس (Deville 1995: 60)؛ و یا مارک آرایشی و به داشتنی لانکوم، پریسم، اورئال و ژیوانشی (Deville 199:45) در یک فروشگاه لوازم آرایشی و به داشتنی اشاره کرد. این‌گونه اشارات به کالاهای مصرفی و فرهنگ مصرف‌گرایی اثر را به بازاری برای تبلیغ کالاها تبدیل می‌کند. نمونه بارز این امر در بخش دیگری از داستان و طی یک بند به چشم می‌خورد و در اینجا نام تمامی محصولات آرایشی و به داشتنی یک مغازه تمام و کمال مطرح شده است. نحوه مطرح کردن مارک این کالاها در متن همانند چیدمان این اجناس در ویترین یک موسسه زیبایی است که یکی پس از دیگری در کنار هم قرار گرفته‌اند. نویسنده در ذکر نام این اجناس صرفاً فاصله یک ویرگول را رعایت کرده است.

نهایتاً یک موسسه زیبایی از نوع سلف سرویس پیدا کردم، در آنجا دو برس موی سر یکی صاف و یکی هم‌گرد، رژ لب سوبلیم دو گرلن، سایه چشم روگارد ژیوانشی، کف دوش او دینمیزانت دوشه کلاران، کرم روز جوان‌کننده لانکوم، کرم شب آب رسان هیدروپتیمال سوتیز، کرم پودر مات‌کننده کریستین دیور، کرم پودر مایع بوته بنتن، نمک حمام استه لادر، ریمل بلندکننده دفینیسیل لانکوم، شامپو روغن جوجوبا، کرم مرطوب‌کننده هلنا رایبیشتاین، شامپو بدن کراستاز با هدیه اشتانتیون عینک شنای وی فارر، مراقبت از صورت ژان گتینو و [...] ۸۰ دیسک آرایشگرهای لابل، پاک‌کننده نرم پییر اوژه، [...] خریدم. (Deville 1995: 45)

1.Samaritaine

2.Gianni Versace

از دیگر مواردی که در حوزه واژگان و بر اساس ارزش تجربی آنها در متن مشاهده می‌شود اشاره به مارک 'کالوین کلاین' و حتی اشاره به 'مچ‌بند ۲۵ هزار فرانکی براتلینگ'<sup>۲</sup> (1995: 59 . Deville 73) است. در تمامی این موارد با واژگانی روبرو هستیم که به مسئله مصرف در چرخه زندگی شهری و روزمره اشاره دارند. برای معرفی اشخاص داستان نیز کمتر به توصیف روان‌شناسانه پرداخته می‌شود و توصیف ظاهری آنها به ذکر مارک و قیمت لباس محدود می‌شود و از این طریق، جایگاه اجتماعی شخصیت و حتی تفاوت جایگاه اجتماعی‌اش با دیگر شخصیت‌ها نیز بیشتر مشخص می‌گردد (ر.ک. Baudrillard 1970: 48). ملاک و عیار سنجش شخصیت داستان با اشارات به نام رستوران‌های معروف، مچ‌بند و یا لباسی با مارک خاص آشکار می‌شود. در تحلیل ارزش تجربی کلمات می‌بینیم که صرفاً مصرف‌گرایی از نوع مادی مد نظر نیست؛ اشاره به نام رستوران‌های آمریکایی در متن اثر و همچنین نام کالاهای خارجی آرایشی بهداشتی (Deville 1995: 59-60) و حتی اشاره به نام روزنامه هرالده (Dev- 1995: 31) بیانگر مسئله مصرف از جنبه فرهنگی است.

انتخاب چنین کلماتی در متن مبین دیدگاه و تجربه نویسنده از محیط پیرامون و دنیاست که در کلمات بازتاب یافته است. بنابراین، تحلیل کلمات با توجه به ارزش تجربی آنها مبین مصرف‌گرایی و ارجاع به طیف مصرف‌گرای جامعه است که متعلق به قشر نسبتاً مرفه هستند. کلمات مطرح شده در متن محصول نوعی انتخاب است؛ به این معنا که کلمات به طور تصادفی بیان نشده‌اند بلکه نویسنده با گزینش آنها سعی در بازنمایی جنبه‌هایی از واقعیت دارد و کلمات برگزیده از نظر ایدئولوژیکی حایز اهمیت هستند. بین این نوع بینامتنیت و کنشگران آن در متن رابطه مستقیم وجود دارد. افرادی منسوب به این‌گونه موارد بینامتنی غالباً افراد ثروتمند تلقی می‌شوند و در رابطه گفتمانی این گروه با قشر پایین‌تر جامعه نوعی تقابل و عدم توزیع متعادل گفتمان را می‌بینیم.

## ۲.۲. نقش و عملکرد دستوری جملات

برای توصیف متن در تحلیل گفتمان انتقادی علاوه بر تحلیل کلمات به تحلیل دستوری جملات نیز پرداخته می‌شود. لازم به توضیح است که فرکلاف این بخش از نظریه خود را از روش تحلیل ساختاری مایکل هالیدی وام گرفته است. از جمله مواردی که در تحلیل

1. Calvin Klein

2. Breitling

دستوری جملات مد نظر نورمن فرکلاف بوده نوع فرایند افعال و مدل جملات در متن است. بعضی از افعال بیانگر انجام عمل و برخی دیگر مبین بودن، حس کردن، وجود داشتن و رفتار کردن است. از جمله فرایندهایی که وی در تحلیل گزاره‌ها مورد استفاده قرار می‌دهد می‌توان به فرایندهای رابطه‌ای، ذهنی، مادی، وجودی، کلامی و رفتاری اشاره کرد.

تحلیل جملات در کتاب زن کامل پاتریک دوویل نشان می‌دهد که اغلب فرایندهای موجود در اثر، مادی، بیانی، کلامی و رفتاری هستند. کلیه جملاتی که به نوعی از طریق اعمال، وجود داشتن، بیان و کلام مبین دیدگاه و طرز فکر نویسنده رمان است و همچنین بازگوکننده تجربه وی از محیط پیرامون خود، تحت عنوان ارزش تجربی گرامر مطرح می‌شود (Halliday 2004: 171): در جامعه‌ای که عده‌ای بنا به موقعیت مادی جایگاه بالاتری نسبت به دیگران دارند، غالباً جایگاه قدرت را نیز اشغال می‌کنند و در این حالت در وضعیت امر کردن قرار می‌گیرند (ر.ک. Fairclough 2010: 550). چنانکه در مثال زیر که شامل یک فرایند مادی می‌شود نیز خوش‌خدمتی پل کورتز به روبن، مسئول مافوق خود، به خوبی نمایان است. این مثال دارای ارزش رابطه‌ای است زیرا از یک سو پل قصد دارد برای مسئول مافوق خود کاری را انجام دهد و از سوی دیگر در این جمله شاهد استفاده از ضمیر و فعل دوم شخص جمع، جهت ادای احترام به مخاطب، هستیم و این امر مبین رابطه‌ای ویژه بین کنشگران گفتمان است:

می‌خواهید که تلویزیون را خاموش کنم. (Deville 1995: 82)

از دیگر فرآیندهای مادی در این اثر می‌توان به مواردی اشاره کرد که از طرفی بیانگر نوعی عمل و از طرف دیگر بیانگر ارزش ارتباطی بین مشارکین گفتمان است. مثال زیر مبین جایگاه پل کورتز در جامعه است. در این جملات می‌بینیم که از طرفی شخصیت زن داستان پل کورتز را "شما" خطاب می‌کند و از ضمیر شخصی و فعل دوم شخص جمع جهت ادای احترام استفاده می‌کند و از طرف دیگر جمله ساده وی که ظاهراً به وجه اخباری است، در معنا حالت امری و دستوری دارد. در این مورد می‌توان گفت که نوع دستوری جملات همان چیزی نیست که مراد گوینده در فرایند معناآفرینی بوده است.

این شما هستید که پرداخت خواهید کرد. شما ثروتمند هستید. ثروت شما هر روزه کودکانی را می‌کشد که هیچ‌گاه اجسادشان را نخواهید دید. شما فرزند

دارید؟ (Deville 1995: 126)

در مثال دیگری نیز به همین ترتیب از جملات عادی و به وجه اخباری استفاده شده است، اما در واقع استفاده و عملکرد کاربردی آنها جنبه امری دارد.

- از من چه انتظاری دارید؟

: در این لحظه هیچ چی. به تانژه رفت و آمد میکنی. پسر تو پیدا میکنی. همه چیز مثل گذشته ادامه داره. به طور منظم همدیگر رو در پلازا می بینیم. این جور می بگیم، با علم به این تفاوت که این بار کمی درگیرتری.

- چرا من؟

[..]

: امتحانت رو قبلا پس داده ای. خونسرد، سخت، جدی، دارای تحصیلات عالی و فاقد کمترین احساس هستی. مدرکی دال بر این باید وجود داشته باشد.

- و اگر قبول نکنم؟

[..]

می توانم این داستان را به تو ربط بدم. جرم عاشقانه. شاهدان بسیاری مثل دوست مورثیه هم وجود دارن. ده ها سال. برای پسر تو هم بد تموم میشه. (Deville 1995: 148)

در این مثال شاهد آن هستیم که شخصیت داستان (پل کورتز) که کارمند است از ضمیر دوم شخص جمع برای بیان احترام استفاده می کند و روپن که رییس اوست ضمیر دوم شخص مفرد را برای مخاطب پایین دست خود به کار می برد. این امر حاکی از ارزش ارتباطی جملات است. در این مکالمه تا به انتها شخص رییس از جملات اخباری و ساده ای استفاده می کند که در واقع عملکرد آنها امری است. به همین دلیل می توان به این نتیجه رسید که جملات و فرایندهای آنها دقیقاً آنچه که به نظر می آید نیست. از دیگر مواردی که مبین ارزش بیانی و تجربی جملات در متن است می توان به موردی اشاره کرد که طی آن راوی صحنه ای را توضیح می دهد که در آن شبکه سی ان ان که به مثابه نهاد (Fairclough 1989: 164) اعمال قدرت در جامعه عمل می کند، تصاویر "شورش، قحطی و حتی کودکان شکم گنده آفریقایی (Deville 1995: 81) را با تبلیغات تمیز و شیک (Deville 1995: 81) قطع می کند. تبلیغاتی که مربوط به کاهش وزن با صرف چند دلار است. این جملات و اشارات به نام هایی مانند "سی ان ان" مربوط به ارزش بیانی و تجربی جملات است که در واقعیت دنیای امروزی تجربه شده است. از طرفی راوی

صحنه‌های مربوط به فقر و گرسنگی را مطرح می‌کند و از طرف دیگر این صحنه‌ها با آگهی‌های تبلیغاتی و نقل قول مستقیم آزاد مانند: "حالا تماس بگیرید" قطع می‌شود (Deville1995: 81).

در بخش دیگری از رمان نیز شخصیت زن داستان که مانکن است، در قالب نقل قول مستقیم تاکید می‌کند که واقعیت، مورد نظر و توجه وی است و در ادامه پس از روایت بخشی از داستان و در یک نقل قول مستقیم این مطلب را اضافه می‌کند که:

حقوق یک پزشک کوبایی در ماه سه دلار است و قیمت یک نوشیدنی در اینجا(فرانسه) پنج دلار ..

پس از نقل قول مستقیم از مانکن، راوی عکس‌العمل وی را این گونه تشریح می‌کند: وی شانه بالا می‌اندازد و یک لیوان نوشیدنی دیگر سفارش می‌دهد و یک بحث ژئوپلیتیک بی‌انتها را به راه می‌اندازد. (Deville1995: 81)

از مثال بالا پیداست که ارجاع به واقعیت تا چه اندازه اهمیت دارد و اصول و ملاک‌های انسانی و اخلاقی جایگاهی در واقعیت مطرح‌شده ندارند. حتی بیان این تضاد و عدم برابری در جوامع با بی‌تفاوتی مطرح می‌شود.

از سوی دیگر مسئله مصرف‌گرایی صرفاً به کالاهای خاص و استفاده از مارک‌های معروف محدود نمی‌شود. با توضیحاتی داخل پرانتز، راوی به موضوع خرید و فروش اعضای بدن انسان به ویژه کودکان و فقرا توسط کشورهای ثروتمند می‌پردازد. دو فعل فروختن و صادرکردن هر دو بر جنبه مصرف و استفاده تاکید می‌کنند. به عنوان مثال از طرفی مانکن یک گفتمان سیاسی جغرافیایی را به راه می‌اندازد و سیاست‌های فرانسه در برابر آفریقا را نقد می‌کند و از طرف دیگر راوی دوره‌ای را یادآوری می‌کند که تحریم‌های آمریکا علیه کوبا باعث قحطی و گرسنگی و مرگ کودکان و قاچاق اعضای بدن به نفع کشورهای ثروتمند شده بود:

در هند کودکان فقرا کلیه‌هایشان را به کلینیک‌های شخصی می‌فروشند؛ در بوگوتا پزشکان چشم کودکان خیابانی را می‌زدیدند و برای کره‌ای‌ها صادر می‌کردند. (Deville1995: 81)



### ۳. عملکرد گفتمان در ایجاد بافت فرهنگی و اجتماعی در رمان زن کامل

فینک اسکوتز در کتاب خود با عنوان گذر نامحسوس از گمرک به بررسی مولفه‌های نوشتار تقلیل‌گرایانه پرداخته است؛ اولین مورد آن مسئله بازیهای زبانی است. از نظر وی بازی‌های زبانی ارجاع مکرر به آثار هنری است (Schoots 1997: 62) و از این طریق نوشتار تقلیل‌گرایانه بافت هنری رمان را ایجاد می‌کند از آن جمله می‌توان به نقاشی، سینما، موسیقی و اشاره کرد. در واقع، این بافت هنری نوعی دسترسی آزاد به میراث فرهنگی است و صرفاً عملکردی بینامتنی محسوب نمی‌شود بلکه در سطح داستان نیز اشاره و ارجاع به نام و اسامی خاص، موسیقی، سینما، تئاتر، نقاشی، انیمیشن و... می‌بین موضوع داستان است (Schoots 1997: 62). تصاویری که بینامتنیت در اثر خلق می‌کند مرز بین واقعیت و تخیل را در هم می‌شکند. بنابراین، عمل نقل قول نوعی بازنمایی است. نقل قول‌های نویسنده یا بازی‌های زبانی بر نقش هنر یا بازنمایی آن بر روابط انسان با دنیا تاکید می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که ایجاد بافت هنری برای نوشتار تقلیل‌گرایانه منبع مفاهیم جدیدی است. (Schoots 1997: 62)

اما بازی‌های زبانی و بینامتنیت فقط بافت هنری را برای اثر تولید نمی‌کنند (رک Compagnon 1979). بلکه استفاده زبان در سطح بینامتنیت، توصیف، توضیح و روایت می‌بین بافت اجتماعی اثر نیز هست. در این مرحله از تحلیل که به مرحله تفسیر معروف است، به بررسی عملکرد گفتمان می‌پردازیم. برای مشخص کردن عملکرد گفتمان باید به بررسی بافت اثر و نوع گفتمان موجود در اثر پرداخت. برای رسیدن به این منظور چهار سوال اصلی مطرح می‌شود:

۱. ماجرا چیست؟ ۲. چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ ۳. روابط میان آنها چیست؟ ۴

. نقش زبان چیست؟ (Fairclough 1989: 148)

برای مشخص کردن تفسیرهای مشارکین گفتمان بافت موقعیتی و بینامتنی، سوال اول در مورد چیستی و چگونگی ماجرا است. ماجرای رمان زن کامل زندگی شغلی یک مامور وزات امور خارجه فرانسه را شرح می‌دهد که در جستجوی زن کامل است و داستان به نوعی به زندگی سرگردان این شخصیت می‌پردازد. در واقع داستان از دو لایه سطحی و عمقی تشکیل می‌شود؛ خواننده ظاهراً با داستان زندگی، رفت و آمدها و گفت‌وگوهای شخصی آشنایی پیدا می‌کند اما از طریق این رفت و آمدها و گفت‌وگوها، لایه‌های زیرین داستان از طریق کلمات، عبارات، توصیفات و توضیحات پدیدار

می‌شوند. مولفه‌های اجتماعی، که از طریق توضیح و روایت و یا بینامتنیت هویداست؛ گفتمان جامعه مصرفی و فقر و ثروت و تضاد طبقات جامعه را مطرح می‌کنند. رمان زن کامل در سطح تفسیر بعدی اجتماعی و اقتصادی را عرضه می‌کند. در این داستان دیدگاه‌های راوی در بیان حالات و توصیف شرایط مبین گفتمان تضاد طبقاتی، فقر و ثروت است. راوی از طریق بینامتنیت که یکی از وجوه مشخصه نوشتار تقلیل‌گرایانه است و فضای اجتماعی اقتصادی‌ای که نویسنده از آن دوران به تصویر کشیده است، گفتمان اثر را به مسایل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی پیوند داده است. تقریباً راوی و شخصیت‌های داستان چه به شکل منفی و یا مثبت موافق یا مخالف گفتمان مصرف را به اشکال و صورت‌های مختلف بیان کرده‌اند.

نمی‌دانم شما کمونیست هستید یا نه، اما اولین تصویری که هنگام خروج از فرودگاه حوزه مارتی کوبا به ذهن می‌رسد چه گوارا<sup>۱</sup> نیست.

تصویر یک آگهی بزرگ مارک بنتن یونایتد کالرز<sup>۲</sup> است. (Deville 1995:94)

از طرف دیگر مسئله بینامتنیت که بر وجود چرخه مصرف و زندگی شهری در این اثر صحنه گذاشته است به خوبی اشخاصی را در داستان معرفی می‌کند: آنها در مقابل چرخه تولید به عنوان مصرف‌کننده قرار گرفته‌اند و نوع مصرف‌گرایی آنها طراز اجتماعی و اقتصادی‌شان را مشخص می‌کند.

در متن به شکل متناوب گاهی از طریق روایت و گاهی از طریق توصیف یا توضیح، نقل قول‌های مستقیم و یا غیر مستقیم دو قشر قوی و ضعیف با هم مقایسه شده‌اند و حتی در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. در مثالی که در پی می‌آید اوضاع اقتصادی و اجتماعی یک شهروند فرانسوی با یک استاد اقتصاد در هاوان از طریق روایت مقایسه شده است. این گفتمان بیشتر بر اوضاع مرفه شهروند فرانسوی تاکید می‌کند:

او در پیش‌دستی معادل حقوق دوسال یک استاد اقتصاد در دانشگاه هاوان را گذاشت و ما از راه پله خارج شدیم. (Deville 1995:104)

موارد گوناگونی در متن وجود دارد که رابطه حاکم و محکوم میان مشارکین گفتمان را نشان می‌دهد. این مطلب را می‌توان از توضیحات راوی در مورد شخصیت روبن، رییس بالا دستش، فهمید:

معمولاً جملات روبن رنگ و بوی امری دارند. (Deville 1995: 94)

1. Che Guevara

2. Benetton United colors

نقش زبان نیز در این موارد انعکاس شرایط اجتماعی است که به دنبال فرهنگ مصرف در زندگی شهری به وجود آمده است. استفاده از زبان توضیحی نقش مهمی در بیان واقعیت‌های موجود در دنیای واقع دارد. بیان این شرایط گاهی به طور مستقیم از زبان شخصیت‌ها و گاهی طی توضیحات راوی مطرح می‌شود که البته همگی ارجاع به واقعیت موجود در جوامع دارند. توصیف، روایت، توضیح همگی مدخل‌های زبانی هستند که از طریق آنها نویسنده توانسته است بافت زمینه اجتماعی را برای اثر ایجاد کند. به عنوان مثال مسئله کودکان خیابانی در بوگوتا جزو معضلاتی اجتماعی است که نویسنده در توضیحات راوی مطرح می‌کند. این موضوع یکی از مشکلات اجتماعی است که پیامد فرهنگ مصرف و مهر تاییدی بر وجود بازتاب مسایل جامعه در اثر است. با استفاده از زبان توضیح نویسنده سعی می‌کند با ارجاع به واقعیت موجود در جامعه کمترین دخل و تصرف و یا تغییری در بیان آن‌ها نداشته باشد. در واقع توضیحات راوی بر واقعیات اجتماعی سندی معتبر به حساب می‌آیند.

علاوه بر زبان توضیحی، بی‌متنیت نیز نقش بسیار مهمی در بازنمایی واقعیت اجتماعی در اثر داشته است. نویسنده برای بازنمایی تصویر جوامع گوناگون در اثر از بی‌متنیت استفاده کرده است به طوری که در داستان شاهد بازنمایی جمع اعداد هستیم. از طرفی تصویر زندگی مرفه قشر ثروتمند با اشاره به نام بعضی از کالاها و محصولات و اماکن بسیار گران به نمایش در می‌آید و از سوی دیگر با استفاده از زبان توضیح یا نقل قول مستقیم چهره عریان فقر بعضی از جوامع در مقابل زندگی مرفه قشر ثروتمند خودنمایی می‌کند. بنابراین، انتخاب و اشاره به اسامی خاص کاملاً هدفمند است و بافت زمینه اجتماعی اثر را تعیین می‌کند. عملکرد گفتمان علاوه بر ایجاد بافت زمینه اجتماعی، بازنمایی تقابل و تضاد گفتمان‌های مربوط به قشرهای ضعیف و قوی جامعه است. به عبارت دیگر نتیجه فرهنگ مصرف‌گرایی عدم برابری و تعادل اجتماعی و اقتصادی است.

##### ۵. تبیین گفتمان جامعه مصرفی در رمان زن کامل

در مرحله تبیین، نگاه پژوهشگر به تحلیل متن به مثابه بخشی از مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت است. در واقع منظور از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از فرایند اجتماعی است. تبیین، گفتمان را به عنوان کنشی اجتماعی توصیف می‌کند و این نکته را متذکر می‌شود که چگونه ساختارهای اجتماعی گفتمان را جهت می‌بخشد. علاوه

بر این در مرحله تبیین این نکته ثابت می‌شود که گفتمان‌ها در بازآفرینی ساختارها موثرند. آیا تاثیری که گفتمان بر ساختارها می‌گذارد به حفظ ساختار منجر می‌شود یا آن را تغییر می‌دهد؟ در فرایند تبیین تحلیل‌گر نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی گفتمان را تعیین می‌کنند و از سوی دیگر تاثیر گفتمان در بازتولید یا تغییر آن ساختار چیست؟ (Fairclough 1989: 162-166)

نتایج تحلیل‌ها در مرحله توصیف، در درجه اول مبین تاکید نویسنده بر برجسته‌سازی جامعه مصرفی در چرخه زندگی شهری است. نویسنده با اشاره به اسامی خاص مارک‌ها و برندهای کالاها، اماکن و موسسات معروف و استفاده برخی از افراد جامعه از آنها سعی در به تصویر کشیدن چرخه مصرف در زندگی شهری داشته است. مسئله مصرف‌گرایی به خودی خود شکاف اجتماعی و اقتصادی را بین طبقات جامعه مشخص می‌کند. به عبارت دیگر در کنار مسئله مصرف‌گرایی مضامین دیگری مانند فقر، ثروت، تضاد طبقات اجتماعی و نابرابری اجتماعی در متن به چشم می‌خورد.

استفاده از زبان توضیح (توضیحات داخل پرانتز راوی) نقل قول‌های مستقیم، غیرمستقیم و مستقیم آزاد و همچنین استفاده از روایت مبین تضاد اجتماعی است که در نتیجه مصرف‌گرایی به وجود آمده است. از مواردی که این تضاد را به خوبی در اثر مشخص می‌کند می‌توان به جایگاه روبن و عکس فرانک سیناترا در متن اشاره کرد. از سویی روبن نماینده قشر مرفه است و از سوی دیگر فرانک سیناترا فعال اجتماعی و سیاسی که بخشی از دغدغه‌هایش رسیدگی به اوضاع فقرا است. نویسنده تضاد محتوایی را از طریق روایت و بینامتنیت مطرح کرده است.

روبن برای خودش جایی روبروی بندر و زیر عکس سیاه و سفید فرانک سیناترا

انتخاب کرده بود. (Deville 1995: 31)

اما مصرف‌گرایی نه تنها جنبه فردی دارد بلکه در بسیاری از موارد نشانگر سلطه جهانی بعضی از موسسات و نهاد هایی است که شهرت جهانی دارند. اعمال قدرت این گونه نهادها بر گفتمان موجود در متن موثر است به طوری که به عنوان مثال یکی از شخصیت‌های داستان به نام مورتیه نماینده قشر مرفه و قدرتمند جامعه است. از نظر راوی:

"او فردی است که تمام شعب مک دونالد را در تمامی دنیا می‌شناسد".

(Deville 1995: 59. 60)

حتی اگر بخواهیم مسئله قدرت را در ارتباط با شخص روبن مشخص کنیم (به عنوان نماینده قشر قدرتمند) می‌توان این گونه مطرح کرد که راوی در کلام خود می‌گوید: روبن از آن گونه اشخاص نیست که بتوان از دستوراتش شانه خالی کرد. (Deville1995: 80. 81)

از دیگر مضامین اجتماعی که از طریق زبان روایی و یا توصیف در متن به آن اشاره شده موضوع جایگاه زنان در جامعه است. این دقیقاً همان موضوعی است که راوی در ابتدای داستان آن را به شکل کنایی مطرح کرده است: "در وان حمام جسد زنی بسیار زیبا دیده می‌شود که امعا و احشایش همچون گل‌های شقایق و مرجان‌های دریایی در آب آغشته به خون شناور است" (Deville1995:10). در تمام داستان راوی به دنبال زن کامل می‌گردد اما به غیر از حالت‌های ظاهری و جنبه‌های جنسی و جسمی معیار دیگری برای زن کامل نمی‌یابد. زنان در چنین جامعه مصرفی اسیر مصرف‌گرایی شده‌اند و حتی راوی آنها را اینچنین توصیف می‌کند:

آنجا زنان دیگری که روی پاشنه‌های نازک و سوزنی شکل مانند پرنده‌ای جای گرفته بودند، باریک و قد بلند همانند زرافه‌هایی نرم و قابل انعطاف، سرشان را به آرامی به سمت ویتترین بوتیک‌های کریستین دیور و لاکرووا که عکس‌عابراں پیاده را منعکس می‌کرد خم کرده بودند. (Deville1995:10)

از دیگر مضامینی که اثر در نتیجه موضوع مصرف‌گرایی به تبیین آن پرداخته است مسئله تحریم و فقر در کشورهایمانند کوبا، هند و غیره است. نویسنده با اشاراتی به کشورهای مختلف، قدرتمند و ضعیف اوضاع متضاد آنها را در مقابل هم قرار داده است. توضیحات داخل پرانتز راوی سند قابل توجهی بر این مدعاست. مصرف‌گرایی به مثابه یک فرآیند اجتماعی قدرت بر گفتمان تاثیر می‌گذارد. اما گفتمان موجود در متن از طریق بینامتنیت، روایت و یا زبان توضیح سعی در تغییر آثار این قدرت دارد.

## نتیجه‌گیری

پاتریک دوویل یکی از نویسندگان عصر حاضر است که در رمان‌هایش تاثیرات جریان نوشتار تقلیل‌گرایانه به خوبی مشهود است. وی در دو مورد از رمان‌هایش که در دهه ۸۰ و ۹۰ به رشته تحریر درآمده است جامعه آن دوره فرانسه را به تصویر کشیده و به ویژه بر تضاد بین طبقات جامعه تاکید کرده است. منتقدان ادبی آن دوران، پاتریک

دوویل را در زمره نویسندگان تقلیل‌گرا می‌شناختند زیرا وی در همان سال‌ها اولین گام‌ها را به سوی این نوع نوشتار برداشته بود. ناگفته نماند که دوویل در عنفوان جوانی سفرهای زیادی به هاوان، نیجریه، الجزایر و مراکش داشته و رد پای این کشورها و شهرهایشان در آثار وی مشهود است. در سال ۲۰۰۰ دوویل رمان دیگری با عنوان زن کامل منتشر کرد. در روایت این رمان شاهد سفرهای مکرر شخصیت اصلی داستان هستیم و نویسنده زندگی شخص یا اشخاصی را شرح می‌دهد که دایما، بنا به دلایل خاص شغلی، مجبور به جابه‌جایی از شهری به شهر دیگر و یا سفر از کشوری به کشور دیگر هستند. این سرگردانی ناشی از تصمیم‌گیری شخصیت‌های داستان نیست بلکه زندگی آنها تحت تاثیر مراکز و ارگان‌هایی است که در جامعه، در جایگاه اعمال قدرت قرار گرفته‌اند و از این طریق بر سبک و خط مشی زندگی افراد تاثیر می‌گذارند. اما تمامی این موارد در رویکرد نوشتار پاتریک دوویل تاثیر گذاشته‌اند. مسئله مهم این است که پاتریک دوویل مشاهدات و تجربیات جامعه را در اثر خود بیشتر از طریق بینامتنیت نشان می‌دهد. وی، به عنوان نویسنده تقلیل‌گرا، با تکیه بر استفاده‌های بینامتنی نوعی بازی زبانی را در اثر خود به نمایش می‌گذارد.

پیش از این عنصر بینامتنیت در نوشتار مینیمالیستی از آن جهت که بیشتر بیانگر بافت هنری بود مورد توجه قرار می‌گرفت؛ اما بینامتنیت در مرحله تفسیر گفتمان، برخلاف آنچه که در گذشته گفته شده بود، فقط مبین بافت هنری اثر نیست، بلکه آثار تقلیل‌گرایانه با اشاراتی به نام اجناس، کالاها، شهرها، کشورها و غیره نوعی بافت اجتماعی و انتقادی در اثر تولید می‌کنند. بنابراین، می‌توان بازتاب جامعه مصرفی را به مثابه یکی از نشانه‌های پسامدرنیسم در اثر به خوبی مشاهده کرد. گفتمان جامعه مصرفی مبین شکاف بین طبقات جامعه است؛ نهادهایی که در جایگاه اعمال قدرت قرار دارند سعی می‌کنند گفتمان را تغییر دهند و بر گفتمان تاثیر بگذارند. اما در چرخه بین قدرت، ایدئولوژی و گفتمان می‌توان گفت که گفتمان سعی در تغییر قدرت و یا ایدئولوژی موجود دارد. با استفاده از زبان توضیح و بینامتنیت تضاد بین اقشار ثروتمند و فقیر در جامعه مشخص می‌شود. در تحلیل رمان زن کامل به این نکته دست می‌یابیم که زبان توضیحی و بینامتنیت به واقعیت نزدیک‌ترند و درباره مشکلات و نابسامانی‌های جامعه سند معتبری در اختیار می‌گذارند. در واقع پاتریک دوویل با استفاده از این روش تضاد و شکاف طبقاتی را در اثر خویش نمایان ساخته و گفتمان دو قشر ثروتمند و فقیر را

در مقابل هم قرار داده است. وی از سوی دیگر نشان می‌دهد که در رابطه بین قدرت، ایدئولوژی و گفتمان، نهادهای اعمال قدرتی در جامعه هستند که به‌ترویج فرهنگ و ایدئولوژی خاص خود می‌پردازند و تأثیر این امر را در استفاده‌های زبانی می‌توان به خوبی مشاهده کرد. زیرا قدرت حاکم گفتمان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما رابطه سه‌گانه زبان، قدرت و باورشناسی (ایدئولوژی) در این رمان نشان می‌دهد که زبان نقش خلاقانه‌ای ایفا می‌کند و در جهت مبارزه با قدرت و تغییر شرایط و ساختارهای اجتماعی موجود استفاده شده است در حقیقت استفاده از زبان توضیحی و بینامتنیت به نوعی اعتراض و مبارزه خاموش در برابر ساختار و قدرت حاکم است.

## منابع

- پاینده، حسین، *داستان کوتاه در ایران*، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۹۰.
- Baudrillard, Jean, *la société de consommation ses mythes ses structures*, Editions Denoël, 1970.
- Compagnon, Antoine, *la seconde main ou le travail de la citation*, Paris, Seuil, 1979.
- Deville, Patrick, *La femme parfaite*, Paris, Edition de Minuit 1995,
- Fairclough, Norman, *Language and power*, united states of America, Longman Inc, 1989.
- Fairclough, Norman, *Discourse and social Change*, Polity Press in association with Black well Publishing Ltd, 1992.
- Fairclough, Norman, *Critical Discourse Analysis*, Pearson Education Limited, 2010.
- Fowler Roger, " *critical linguistics*", , in K. Malmkjer(ed), *The Linguistics Encyclopedia*, London& New York: Routledge 1991
- Halliday, M.A.K, Revised by Christian M.I.M Matthiessen, Lehman Alise, *an introduction to functional grammar*, London, First published in Great Britain by Arnold, 2004.
- Lehmann Alise, Martin-Berthet Françoise, *Introduction à la lexicologie sémantique et morphologie*, Paris; 3<sup>e</sup> édition, Armand Colin. 2008.
- Schoots Fiecke, *Passer en douce à la douane, L'écriture minimaliste de miniut*, Amsterdam-Atlanta, Rodopi, 1997.